



آموزش تاریخ محلی؛ تهدید یا فرصت

رحیم شبانه

کارشناس ارشد تاریخ و دبیر تاریخ بهبان
rahim1348@gmail.com

تاریخ محلی موضوع جدیدی نیست و به صورت‌های مختلف از گذشته‌های دور در تاریخ‌نگاری فتوح، فضائل شهرها، آثار جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، سفرنامه‌ها و شرح حال مشاهیر وجود داشته است. حتی به نوعی به شکل دودمان‌نویسی در اساطیر و تاریخ ملی باستان (خدایان‌ها) هم قابل مشاهده است. ظهور اسلام، تجزیه خلافت اسلامی، گسترش حکومت‌های کوچک و محلی و سلطه قبایل ترک صحرانگردد گسترش تاریخ‌نگاری محلی مؤثر بوده و به آن دامن زده است. در دوره‌های اخیر به دلیل افزایش سطح سواد و افزایش نخبگان محلی این نوع تاریخ‌نویسی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته که هم جنبه مثبت دارد و هم می‌تواند پیامدهای منفی داشته باشد. استفاده از تاریخ محلی در متون درسی به صورت جداگانه یا همراه با تاریخ ملی، موضوع جدیدی است که می‌تواند به همه‌فهم کردن تاریخ کمک شایانی کند. به همان میزان تدریس تاریخ محلی، شیوه‌ارائه متون درسی تاریخ محلی هم

تاریخ‌نگاری محلی به شکل واحد درسی و آموزشی موضوع جدیدی است که ابتدا در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به صورت واحد درسی یا یک شاخه‌گرایی برای رشته تاریخ مطرح شد. این انتظار وجود دارد که این موضوع به لحاظ اهمیت در مدارس هم مورد توجه قرار گیرد. اما بایستی دقت داشت که تدوین متون درسی و تدریس تاریخ محلی در مدارس از حساسیت بیشتری نسبت به دانشگاه برخوردار است. هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه می‌تواند مخاطرات ملی در پی داشته باشد. این مقاله با هدف شناخت بیشتر جنبه‌های مثبت و منفی تاریخ محلی به عنوان واحد درسی نگاشته شده است.

موضوع آن را به درازای موضوعات تاریخی دانست؛ چرا که هر تاریخی در یک بعد جزئی‌تر مکانی نسبت به بعد گسترده مکانی یک نوع تاریخ محلی محسوب می‌شود. مثلاً تاریخ ایران در کل تاریخ جهان به عنوان تاریخی محلی و بومی محسوب می‌شود. حال تاریخ تحولات خوزستان در ارتباط با تاریخ کل ایران (تاریخ ملی ایران) به نوعی تاریخ بومی و محلی به حساب می‌آید و تاریخ اهواز در ارتباط با تاریخ استان خوزستان به نوعی تاریخ محلی است و الی آخر... تاریخ جنگ‌های پلویونزی توسیدید، در برابر تاریخ هرودوت یک نوع تاریخ محلی محسوب می‌شود چراکه توسیدید به جنگ‌های داخلی یونان پرداخته در حالی که هرودوت به گونه‌ای تاریخ روابط بین‌الملل یعنی جهان یونانی با جهان پیرامونی را نوشته است.

پس تاریخ محلی یک تعریف دقیق و مشخصی ندارد. لذا بایستی بررسی تحولات انسانی و محیطی یک ناحیه محدود را در برابر یک محدوده وسیع سرزمینی به نوعی تاریخ محلی فرض کرد. اگر چنین است از گذشته‌های دور این معنا، موضوع بسیاری از کتاب‌های تاریخی بوده است.

تاریخ محلی را باید بیشتر در کار مورخان جغرافیانویس جستجو کرد؛ کسانی که در بررسی یک موضوع کلی‌تر به جغرافیای تاریخی و تحولات تاریخی یک ناحیه خاص توجه شایانی داشتند. برای مثال شاید بهترین نمونه، کتاب فتوح البلدان بلاذری باشد. موضوع کار فتوح البلدان، تاریخ فتح شهرهای عراق و ایران به دست مسلمانان است، اما تاریخ محلی برخی مناطق را به بهترین شیوه بیان کرده است. دوره شکوفایی تاریخ‌نگاری محلی در دوران اسلامی تاریخ ایران است که آثار متعدد و متنوعی در این مورد به وجود آمد. قدمت برخی از این آثار از تشکیل بسیاری از کشورهای امروزی جهان بیشتر است.

با وجود آن که از تاریخ محلی تعریف مشخصی ارائه نشده اما این تاریخ‌ها حاوی اطلاعاتی در زمینه «جغرافیای محل، عجایب، فضایل، محاسن، تاریخ بنای شهر، بانی آن، سیر تحولات آن در گذر زمان، ابنیه و آثار موجود در محل، مزارات، مهمترین حوادث سیاسی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، رجال و شخصیت‌های سیاسی، علمی، ادبی و حتی اساطیر و افسانه‌های مربوط به یک شهر یا ایالت خاص هستند» (قنوات، ۱۳۹۳: ۶).

تاریخ‌نگاری محلی را می‌توان معادل Local History و City History دانست. در زبان فارسی از آن به تعبیری مانند «تواریخ بلدان»، «تواریخ شهرها و ولایت‌ها» و «تواریخ خصوصی» در برابر تاریخ‌های عمومی نیز یاد



اهمیت دارد و هم حساسیت‌زا است. تاریخ‌نویسان محلی به دلیل حضور در متن مناسبات اجتماعی محلی و مشاهده از نزدیک رویدادها، توجه بسیار به جزئیات داشته و اطلاعات فراوانی را عرضه می‌کنند. از سوی دیگر تعصبات قومی و گروهی، اغراق و بزرگ‌نمایی هم در بین تاریخ‌نویسان محلی کم نیست، لذا در استفاده از تاریخ محلی به عنوان ماده درسی باید بسیار دقیق و حساس بود. طرح تاریخ محلی به شکل درسی هم می‌تواند یک فرصت آموزشی برای مطرح کردن درس تاریخ و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و هم می‌تواند تهدیدی برای منافع ملی باشد. به عبارتی همچون چاقویی دولبه است.

تواریخ محلی

واژه تاریخ محلی را بایستی یک اصطلاح جدید دانست که در مطالعات تاریخی معاصر مطرح شده است، اما چون تعریف کاملاً مشخص و ممتازی از آن نشده باید

مشخص گفته می‌شود. هرچند برخی از این سلسله‌های حکومتی ممکن است به شکل یک دولت فراتر از محل و منطقه خاص عمل کرده باشند، اما بازهم همان تعبیر تاریخ آن منطقه را به خود گرفته‌اند. نمونه روشن آن تاریخ سیستان از مورخی ناشناس است که در فاصله سال‌های ۴۴۵ تا ۷۲۵ هجری نوشته شده است. این کتاب در کنار بررسی اوضاع سیستان در قرون اولیه هجری سیر پیدایش سلسله حکومتی صفاریان در سیستان را بیان می‌کند.

یکی از ویژگی‌های خوب تاریخ محلی این است که تاریخ محلی نوعی «تاریخ زنده» است. لذا شاید یکی از دلایل ماندگاری بسیاری از متون و تواریخ محلی ما زنده و جالب توجه بودن آن‌ها باشد؛ به نوعی که قابل توجه عموم جامعه بوده است. چه بسیار آثار باارزش علمی، ادبی و دینی که به دلیل بی‌اعتنایی مردم در طول تاریخ از بین رفته‌اند، اما تاریخ بخاری نرشیخی یا تاریخ قم اثر حسن بن محمد بن حسن قمی و غیره باقی مانده‌اند. به قول مرحوم باستانی پاریزی مردم حافظان اصلی این آثار و نوشته‌ها بوده‌اند که اگر اثری را نپسندند، آن اثر از بین می‌رود. هزاران اثر تاریخی و ادبی ماکه گفته شده به وسیله اسکندر، عرب، ترک، مغول و غیره از بین رفته حقیقتاً به وسیله مردم از بین رفته و نه این مهاجمان، یعنی مردم با نخواندن و فراموش کردن این آثار آنها را سوزانده و نابود کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۴۱). در حالیکه تواریخ محلی بسیاری با قدمت هزارساله داریم که همان مردم با خواندن آنها را نگه داشته‌اند و این رمز ماندگاری و زنده بودن تواریخ محلی است.

جالب اینجاست که آن دسته از تواریخ محلی ایران که به زبان عربی بوده‌اند نسخه عربی آنها از بین رفته، ولی ترجمه فارسی آنها باقی مانده است. از بین منابع تاریخ محلی ایران کتاب «محاسن اصفهان» نوشته مفصل بن حسین مافروخی اصفهانی تنها کتاب تاریخ محلی ایران تا سده هفتم هجری است که هم متن اصلی عربی آن و هم ترجمه فارسی آن تا کنون باقی مانده‌اند (قنوات، ۱۳۹۳: ۱۵۵). بقیه آثار تاریخ محلی که به عربی بوده‌اند مانند تاریخ قم، تاریخ بخارا و غیره کلاً از بین رفته‌اند و فقط ترجمه فارسی آنها باقی مانده و از این ترجمه‌ها نسخه‌های فراوان برجای مانده است؛ از ترجمه تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی ۱۵ نسخه و از ترجمه تاریخ بخارا نرشیخی ۳۸ نسخه باقی مانده است. ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی مترجم تاریخ بخارا انگیزه خود را از ترجمه این کتاب این گونه بیان کرده است: «چون بیشتر مردم به خواندن کتاب عربی رغبت نمایند، دوستان از



شده است (قنوات، ۱۳۸۸: ۴). تاریخ به طور کلی بررسی یک موضوع انسانی در یک محیط جغرافیایی در یک فرایند زمانی است. حال اگر این محیط جغرافیایی در محدوده کوچکی باشد و در قالب یک روستا، محله، شهر، یا استان تعریف شود، می‌توان آن را تاریخ محلی دانست. هرگونه مطالعه بر سر یک موضوع انسانی اعم از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در یک منطقه محدود روستایی، شهری، استانی می‌تواند موضوع کار تاریخ‌نگاری محلی باشد (شبان، ۱۳۹۱: ۵۵).

تاریخ‌نگاری محلی یک مفهوم بسیار گسترده است که در آن جغرافیای تاریخی، سلسله‌های محلی، جنبش‌های مردمی و رویدادهای محدود و محلی را شامل می‌شود. بنابراین منابع تاریخ محلی هم به اندازه مفهوم آن گسترده است. اما بدون شک جغرافیای تاریخی و مطالعه تغییرات حاصل شده در ظاهر مکان‌ها در طول زمان، بررسی تغییرات در اماکن و بناها و تغییرات حاصله در کاربری آن‌ها بخش مهمی از تواریخ محلی را تشکیل می‌دهد. شاید در ذهن بسیاری، تاریخ محلی چیزی فراتر از جغرافیای تاریخی منطقه‌ای نباشد. امروزه زندگی‌نامه‌های محلی را که در ارتباط با یک منطقه یا شهر هستند نیز جزء تاریخ محلی محسوب می‌کنند؛ چون در این آثار بنا به اقتضاء از افراد و گروه‌های یک منطقه بحث می‌شود این گونه آثار را هم جزء منابع تاریخ محلی فرض می‌کنند.

در برخی موارد، تاریخ محلی به شکل بررسی تاریخ یک خاندان یا سلسله‌ای خاص در یک منطقه جغرافیایی

یکی از ویژگی‌های خوب تاریخ محلی این است که تاریخ محلی نوعی تاریخ زنده است. لذا شاید یکی از دلایل ماندگاری بسیاری از متون و تواریخ محلی ما زنده و جالب توجه بودن آن‌ها باشد؛ به نوعی که قابل توجه عموم جامعه بوده است. چه بسیار آثار باارزش علمی و ادبی و دینی که به دلیل بی‌اعتنایی مردم در طول تاریخ از بین رفته‌اند، اما تاریخ بخاری نرشیخی یا تاریخ قم اثر حسن بن محمد بن حسن قمی و غیره باقی مانده‌اند

من درخواست کردند که این کتاب را به پارسی ترجمه کنم» (نرشخی، ۱۳۸۴: ۶). حتی برخی نویسندگان تاریخ‌های محلی برای همه‌فهم کردن اثر خود سعی داشته‌اند تا آنجا که ممکن است نوشته خود را به زبان عموم مردم نزدیک کنند؛ چنانکه نویسنده گمنام تاریخ سیستان سعی داشته از به‌کارگیری کلمات عربی اجتناب کند و کلمات عربی هم که به کار برده آنهایی بوده که بین مردم رایج بوده است. او از به‌کار بردن لغات فارسی غریب هم دوری کرده و «گویی قصد داشته متنی بنویسد که همگان قادر به خواندن آن باشند» (قنوات، همان: ۱۵۰). حتی برخی از نویسندگان تاریخ‌های محلی سعی در به‌کار بردن کلمات و اشعار محلی نیز داشته‌اند؛ چنانچه ابن اسفندیار کاتب در سرتاسر کتاب خود اشعار زیادی به زبان محلی طبرستانی دارد (همان: ۱۹۰). همه این موارد نشان می‌دهد که تاریخ‌های محلی مورد توجه مردم و در طول تاریخ مردم حافظان اصلی این آثار بوده‌اند.

تاریخ محلی آموزشی

اولین دپارتمان تاریخ محلی در سال ۱۹۴۸ میلادی در دانشگاه لستر انگلیس تأسیس شد. در خاورمیانه برای اولین بار در اصفهان بعد از ۵۰ سال یک گروه تاریخ محلی تأسیس شد (نورایی و موسی پور، ۱۳۹۱: ۵) و از این زمان به بعد تاریخ محلی در ایران به عنوان رشته دانشگاهی شکل گرفت.

تحولات سیاسی تاریخ معاصر به ویژه انقلاب مشروطه، تشکیل دولت مدرن در عصر پهلوی و تلاش این دولت برای تغییر سنت‌های عشایری، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و درگیر شدن مناطق و استان‌های مختلف در این رویدادها از یک طرف و از سوی دیگر تحولات فرهنگی همچون بالا رفتن سطح سواد و خودآگاهی در مناطق مختلف کشور به خصوص مناطقی که در گذشته محرومیت و بی‌سوادی در آنها پیداد می‌کرد نوعی نیاز و رسالت تاریخ‌نویسی به شکل محلی در بین نخبگان این مناطق ایجاد کرده و باعث افزایش فراوان آثار تاریخ محلی شده است. متأسفانه بیشتر تاریخ‌نویسان محلی امروزه هیچ اطلاعی از تاریخ و روش کار تاریخ‌نویسان محلی در گذشته ندارند و همین هم باعث شده که زیان‌شان از سودشان بیشتر باشد. البته در این مقال جای بحث، تجزیه و تحلیل این آثار نیست، اما در ادامه مقاله به موضوع تاریخ‌نویسی محلی به شکل درسی و ضرورت‌های آن می‌پردازیم و جنبه‌های مثبت و منفی این حرکت فرهنگی را در سال‌های اخیر بررسی می‌کنیم.

تاریخ به طور کلی چه جنبه ملی داشته باشد یا محلی، همیشه تعیین‌کننده هویت جمعی است. هویت

محلی در کنار هویت ملی حلقه به هم پیوسته‌ای است که هویت کلی مردم یک سرزمین را به وجود می‌آورد. تاریخ و تاریخ‌نویسی می‌تواند نقش مهمی در حفظ این اتصال یا درگسستن و منفک کردن آن داشته باشد. هویت جمعی را در برابر هویت فردی این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مشخصه‌ای مشترک و مقید به تعامل که به وسیله افراد متعامل و متعددی که برای جهت‌گیری‌های اعمالشان و حیطه فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط عملکردشان اهمیت و حساسیت خاصی قائلند، به وجود می‌آید» (عاروان، ۱۳۹۱: ۲۶).

باید توجه داشت که تاریخ‌های محلی برخلاف تواریخ ملی شکل مستمر و متصل تاریخی نیستند، بلکه ناظر به برهه‌هایی از تاریخ به صورت منقطع هستند، پس با این شرایط معنی یافتن تاریخ محلی منوط و مربوط به تاریخ ملی است. برای مثال ما در تاریخ محلی ارجان مرتب روایات تاریخی از جنگ و آمد و رفت امیران آل بویه به این شهر و نواحی اطراف آن را داریم، حال اگر تاریخ‌نویس تاریخ ارجان بخواهد بدون در نظر گرفتن تاریخ ملی در دوره آل بویه صرفاً از تحولات این منطقه بدون در نظر گرفتن تاریخ کلی کشور خبر دهد نوشته‌های او مطالب بریده بریده و منقطع و بی‌معنا خواهند بود.

طرح تاریخ محلی در مدارس باعث پیوستگی تاریخ محل و ناحیه با تاریخ کلی کشور خواهد شد، به قولی «بهترین روش تاریخ‌نگاری محلی آن است که زندگی ملت خود را همچون ساختاری واحد نگرییم و قصه حیات هر شهر و ناحیه را با داستان زندگی جمع درهم آمیزیم و به عبارت دیگر خطوط کلی زندگی در هر ناحیه را با صفحه کلی تاریخ کشور خویش ترسیم نماییم» (شبان، ۱۳۸۸: ۴۹). پس تاریخ محلی مناطق مختلف ایران همچون موزاییک‌هایی است که کل سرایی را همچون ایران تشکیل می‌دهد.

یکی از عرصه‌های تاریخ‌نویسی که در تاریخ‌نویسی ملی مغفول مانده تاریخ اجتماعی و توجه به جزئیات و سنت‌های بومی است. اما تاریخ‌نویسی محلی سرشار از موضوعات بکر برای تاریخ اجتماعی است؛ از سنت‌ها گرفته تا ویژگی‌های رفتاری گروه‌های اجتماعی تا ریشه‌های نزاع‌ها و مناقشات قومی و محله‌ای. در تاریخ‌نویسی محلی است که در آن تاریخ رنگ جامعه‌شناسی می‌گیرد و ریشه رفتارهای اجتماعی و فردی جوامع را نشان می‌دهد. در حالی که در تاریخ‌نویسی ملی به ویژه برای سرزمین بزرگی چون ایران که هم وسعت سرزمینی زیاد و هم تنوع قومی و محلی زیادی دارد، توجه به ویژگی‌های رفتاری جامعه خیلی مدنظر نبوده است، لذا در تاریخ‌نویسی ملی به ناچار تاریخ بیشتر رنگ سیاسی به ویژه در سطح کلان پیدا کرده و کمتر بر واحدهای کوچکتر سرزمینی و به خصوص

تمام کسانی که تاریخ تدریس کرده‌اند می‌دانند که طرح درس و تدریس تاریخ محلی که شهر و محل تولد دانش‌آموزان را در بر دارد، یادآور مکان‌هایی است که در آن زندگی می‌کنند. طرح شخصیت‌هایی که برای دانش‌آموزان بیگانه نیستند و در قصه‌های دور و نزدیک از زبان اطرافیان در مورد آنها شنیده‌اند، از این لحاظ این درس برای آن‌ها بسیار جالب و جذاب خواهد بود. تاریخ محلی برای فعال کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش تاریخ بسیار مؤثرتر از تاریخ ملی و عمومی خواهد بود، چون در حیطه ذهن و حافظه تاریخی آن‌ها قرار دارد

دانش‌آموزان هیچ شکی نیست و هر چه در این مورد گفته شود کم گفته شده، اما چگونگی طرح این قضیه، مواد و موضوعات مطرح در این درس بایستی به شدت کارشناسی شده و سنجیده باشد، چراکه امروزه در اهمیت درس تاریخ محلی به عنوان یک درس هویت‌بخش و درسی که پیش زمینه قضاوت در مورد دیگران و حوادث را ایجاد می‌کند شکی نیست، پس بایستی بیشتر بحث در زمینه موضوع و مواد ارائه شده در این درس باشد نه ضرورت اهمیت آن که کسی در آن شک ندارد.

این مهم است که ما به چه موضوعی در تاریخ محلی بیشتر اهمیت می‌دهیم. آیا باید متن و موضوع این ماده درسی (تاریخ محلی) جنبه‌های تمدنی و فرهنگی با تأکید سرزمینی باشد یا تکیه بر شخصیت‌ها و رویدادها که البته مورد دوم این نوع تاریخ‌نویسی را بیشتر جلوه سیاسی خواهد داد و می‌تواند هدف اصلی از درس تاریخ را که هویت‌دهنده و وحدت‌بخش برای منافع ملی است، زیر سؤال ببرد. به طور کلی طرح موضوعات ناسیونالیستی و ملی در سطح کلان کشوری در همه دروس فرهنگی از جمله تاریخ سازنده و ضروری است، اما به همان میزان طرح موضوعات ناسیونالیستی در سطح محلی آن هم در جنبه‌های سیاسی می‌تواند مخرب و ویران‌گر باشد، چون پاسداری از منافع ملی لازم است. اما ناسیونالیسم در سطح محلی، قرار دادن یک قومیت در برابر قومیت‌های دیگر در داخل یک کشور است که باعث تشدید ضدیت و دشمنی در داخل می‌شود. پس در طرح تاریخ سیاسی محلی حتماً باید این جنبه‌ها مورد توجه قرار بگیرد. تأکید بر جنبه‌های تمدنی و تاریخ فرهنگی در سطح محلی دیدن، نمایاندن، بزرگداشت فرهنگ و زحمات مردم یک محل می‌تواند الهام‌بخش سازندگی و تلاش برای آبادی بیشتر در زندگی امروزی باشد. البته باید دقت داشت که تاریخ‌های ملی و عمومی نوعاً تاریخ سیاسی و نخبه‌گرا هستند در حالی که تاریخ‌های محلی در ذات خود تاریخ مردم و زندگی روزمره آنها است.

نگاه غلطی که که متأسفانه امروزه در عرصه تاریخ‌نویسی محلی غیر درسی شاهد هستیم این است که گروهی با طرح نوعی تاریخ‌نویسی سیاسی به ویژه با تمرکز بر رویدادهای تاریخ معاصر به نوعی اسطوره‌سازی از افراد و سران قومی پرداخته‌اند، در حالی که اینان در بیشتر موارد بنا به مصالح و منفعت‌های شخصی در عصر قاجار یا پهلوی در برابر دولت مرکزی قد علم کرده و درگیری‌هایی را به وجود آورده‌اند. عدم مشروعیت دولت مرکزی در عصر قاجار یا پهلوی به هیچ عنوان نمی‌تواند به قدرت‌های محلی و خوانین ظالم این دوره به صرف ایستادگی در برابر دولت مرکزی که آن هم اکثراً جنبه یاغی‌گری داشته مشروعیت بدهد، بنابراین باید کاملاً

جلوه‌های رفتار انسانی متمرکز شده است، در حالی که حقیقتاً تاریخ چیزی جز رفتار اجتماعی در جوامع انسانی نیست. شاید به همین خاطر باشد که وقتی در دوره معاصر از بعضی محققان در مورد تاریخ اجتماعی سؤال می‌شود آنها به دلیل کمبود منابع تاریخ‌نویسی در این زمینه مدعی هستند که چون گذشتگان ما تاریخ اجتماعی ننوشته‌اند پس ما نمی‌توانیم تاریخ اجتماعی بنویسیم. البته این حرف چندان کارشناسی شده نیست چراکه تاریخ‌نویسی محلی که بیشتر در حوزه تاریخ‌نویسی شهری جلوه‌گر شده پر از اسناد و مدارک برای نگارش تاریخ اجتماعی است. برای مثال فقط با نگاهی به کتاب محاسن اصفهان نوشته مفضل بن سعد بن حسین مافروخی اصفهانی از نویسندگان قرن پنجم می‌توان حجم فراوانی از اطلاعات در زمینه آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی و برخی تعابیر و جملات فارسی با لهجه اصفهانی در قرن پنجم هجری و نیز اطلاعاتی در زمینه گروه‌هایی از مردم مانند دیوانگان و مخنثان به دست آورد (قنوات، همان: ۱۵۴).

یقیناً تمام کسانی که تاریخ تدریس کرده‌اند می‌دانند که طرح درس و تدریس تاریخ محلی که شهر و محل تولد دانش‌آموزان را در بر دارد، یادآور مکان‌هایی است که در آن زندگی می‌کنند. طرح شخصیت‌هایی که برای دانش‌آموزان بیگانه نیستند و در قاصه‌های دور و نزدیک از زبان اطرافیان در مورد آنها شنیده‌اند، از این لحاظ این درس برای آن‌ها بسیار جالب و جذاب خواهد بود. همچنان که این مطلب در مورد جغرافیای استان و استان‌شناسی چنین بوده است. از مزیت‌های خوب طرح و تدریس تاریخ محلی در کتاب‌های درسی این است که تاریخ محلی به عنوان تاریخ دسترس‌تر از تاریخ ملی است. برای مثال ما وقتی از تاریخ پارسیان و شیوه معماری آن صحبت می‌کنیم و از تخت جمشید و پاسارگاد سخن به میان می‌آوریم، دانش‌آموز آذربایجانی ممکن است هیچگاه به شیراز و فارس سفر نکرده باشد ولی حداقل ممکن است شخصاً یا با خانواده منطقه باستانی تخت سلیمان را دیده باشد و یا حداقل به لحاظ اینکه تخت سلیمان در منطقه آذربایجان قرار دارد با نام و نشان آن بیشتر از تخت جمشید آشنا باشد، پس تخت سلیمان برای دانش‌آموز آذربایجانی در دسترس‌تر از تخت جمشید است. پس تاریخ محلی به این لحاظ برای فعال کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش تاریخ بسیار مؤثرتر از تاریخ ملی و عمومی خواهد بود، چون در حیطه ذهن و حافظه تاریخی آن‌ها قرار دارد.

در ارتباط با اهمیت طرح تاریخ محلی به عنوان تاریخ نزدیک یا دم دستی^۲ و در دید حافظه تاریخی

عدم مشروعیت دولت مرکزی در عصر قاجار یا پهلوی به هیچ عنوان نمی‌تواند به قدرت‌های محلی و خوانین ظالم این دوره به صرف ایستادگی در برابر دولت مرکزی که آن هم اکثراً جنبه یاغی‌گری داشته مشروعیت بدهد، بنابراین باید کاملاً مواظب بود که امروزه اگر از تاریخ محلی در عرصه درسی دفاع می‌شود، این موضوع هرگز نباید جنبه ضدیت با حاکمیت ملی داشته باشد

2 nearby history



مواظب بود که امروزه اگر از تاریخ محلی در عرصه درسی دفاع می‌شود، این موضوع هرگز نباید جنبه ضدیت با حاکمیت ملی داشته باشد.

در هر حال منافع ملی بر هرگونه ارزش بومی و محلی ترجیح دارد و اولویت طرح تاریخ ایران به شکل یکپارچه با حفظ تمامیت ارضی که یکی از جلوه‌های آن حاکمیت دولت مرکزی بر واحدهای کوچکتر است، از هر اصلی مهمتر است. هرگونه سابقه غلط از این حاکمیت می‌تواند ذهنیت اشتباهی را سامان دهد که بعدها با هزینه‌های بیشتر هم نمی‌توان آن را از بین برد.

تجربه جغرافیای استان (استان‌شناسی) در سال‌های اخیر تجربه موفقی در عرصه آموزش جغرافیای محلی و استانی در کنار جغرافیای ایران ارائه می‌دهد و آن را می‌توان در آموزش تاریخ محلی یا استانی برای مناطق مختلف کشور به کار برد تا دانش‌آموزان در کنار آموزش تاریخ ایران با مقیاس کلی و ملی با تاریخ محلی و استانی نیز با جزئیات بیشتر آشنا شوند. البته باید دقت داشت که تاریخ محلی و استانی با جغرافیای استان به لحاظ ماهیت تفاوت اصولی دارد، چرا که مطالب جغرافیائی هرچند در برخی موارد با معیار جغرافیای انسانی طرح می‌شوند، از آنجا که رفتار انسان را بدون نگاه قومی و قبیله‌ای در محیط جغرافیایی و تأثیرات متقابل انسان و محیط بررسی می‌کنند چندان حساسیتی ایجاد نمی‌کند، بلکه به ویژه امروزه باعث اطلاع و آگاهی در مواردی از راه‌های مقابله با آلودگی و حفظ محیط زیست می‌شود. در جغرافیای استان مطالب چون در سطح استانی و با طرح جزئیات بیشتر نسبت به جغرافیای ایران که کلی‌تر است مطرح می‌شوند بسیار مفید و مناسب است. ولی طرح تاریخ به ویژه تاریخ محلی یا استانی نمی‌تواند بدون اشاره و طرح نزاع‌های سیاسی و قومی باشد و البته طرح این موضوعات به ویژه با توجه به دودستگی‌های محلی که جنبه‌های قومی و قبیله‌ای یا دینی داشته می‌تواند تحریک‌کننده و حساسیت‌زا باشد و باید از آن پرهیز کرد.

البته شاید یکی از دلایل اصلی و ضروری که طرح تاریخ محلی را به عنوان واحد درسی ایجاد می‌کند این باشد که امروزه به دلیل بالا رفتن سطح سواد به ویژه زیاد شدن نخبگان محلی در مناطق مختلف کشور نوعی نهضت تاریخ‌نویسی محلی به شکل تاریخ قومی و طایفه‌ای در ایران به راه افتاده که این نوع آثار در عین آنکه در راستای برنامه توسعه فرهنگی ضروری هستند، اما خود منشأ به وجود آمدن سوء تفاهات و مطالب انحرافی در قالب بزرگنمایی و اغراق در مورد اقوام و شخصیت‌های محلی و گروه‌های خاص شده‌اند. از آنجا که گاهی این مطالب به صورت نوشته‌های کوتاه در فضای مجازی به شکل

گسترده بازتاب می‌یابند، تنش و تضاد را در جامعه دامن می‌زنند، لذا ضروری است که تاریخ محلی به شکل درسی و با در نظر گرفتن جنبه‌های کارشناسی شده مطرح شود تا حداقل بتواند جلوی جنبه‌های منفی این نوع تاریخ‌نویسی رقابتی که به شکل چشم و هم چشمی فرهنگی (نوعی جنبش شعوبی در دوران مدرن) را بگیرد. مشکل بزرگی که در طرح تاریخ محلی بویژه اگر جنبه‌های سیاسی را در آن منظور کنیم وجود دارد، این است که در طول تاریخ، تقسیمات کشوری ایران دچار تغییرات بسیار شده و امروزه تقسیمات بیشتر استان‌های کشور مطابق با تقسیمات کشور در دوره‌های تاریخی نیست. چه بسا شهرهایی که در گذشته بخشی از یک استان دیگر بوده‌اند و امروزه با تقسیمات جدید کشوری در مرزهای اداری استان دیگر قرار دارند. برای مثال بهبهان نام اسبق آن ارجان در همه ازمه تاریخی بخشی از استان فارس بوده و در برخی از دوره‌های تاریخی حدود یک پنجم یا یک چهارم و در دوره قاجاریه حتی یک سوم کل فارس بوده است (باور، ۱۳۹۲: ۹). اما از سال ۱۳۰۹ش این منطقه از فارس مجزا و به خوزستان پیوست. حال در مورد مناطقی چون بهبهان که از شهرهای تاریخی و قدیمی کشور هم هستند، تاریخ محلی به صورت یک اثر درسی چگونه باید مطرح شود در حالی که تمام هویت گذشته آن و تحولات سیاسی و اجتماعی آن همراه منطقه کهگیلویه (که امروزه خود استان مستقلی شده) در ارتباط با فارس بوده است؟

این مهم است که ما به چه موضوعی در تاریخ محلی بیشتر اهمیت می‌دهیم. آیا باید متن و موضوع این ماده درسی (تاریخ محلی) جنبه‌های تمدنی و فرهنگی با تأکید سرزمینی باشد یا تکیه بر شخصیت‌ها و رویدادها که البته مورد دوم این نوع تاریخ‌نویسی را بیشتر جلوه سیاسی خواهد داد و می‌تواند هدف اصلی از درس تاریخ را که هویت‌دهنده و وحدت‌بخش برای منافع ملی است، زیر سؤال برد

این مساله برای مورخان قدیمی هم به وجود آمده است. مثلاً هشام کلبی از مورخین اوایل دوره اسلامی خوزستان را جزئی از فارس گرفته و به همین خاطر در کتاب فتوح فارس به فتح شهرهای فارس و خوزستان پرداخته است (قنوت، همان: ۵۱). پس ملاحظه می‌شود که هرگونه تاریخ سیاسی محلی به صورت استانی چندان هم آسان نیست ولی مطرح کردن هویت تاریخی به صورت تمدنی و فرهنگی در قالب مرزهای اداری بسیار مفیدتر و راحت‌تر است.

یکی از ایرادات طرح تاریخ محلی این است که تاریخ محلی به میزان زیادی متکی به تاریخ شفاهی است، یعنی تاریخی که منابع آن زنده و حاضر هستند. لذا چون منابع شفاهی تفسیر و توجیهات متفاوت و بعضاً متضادی با هم در یک مورد خاص دارند، تاریخ محلی همیشه با یک پیش‌زمینه ذهنی از حافظه تاریخی مواجه است. این هم می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد و هم جنبه منفی. اگر پیش‌زمینه ذهنی را به عنوان مقدمه یادگیری فرض کنیم بنابراین تاریخ را از صفر شروع نکرده‌ایم به همین دلیل جنبه مثبت دارد، اما چون این تاریخ از صفر نیست چه بسا برطرف کردن یک تصور غلط در یک موضوع به خاطر آنکه در حافظه تاریخی جمعی مردم یک منطقه وجود دارد کاری است دشوار. اینجاست که پیش‌زمینه ذهنی یادگیرنده برای یادگیری جنبه منفی پیدا می‌کند.

متأسفانه نگاه تاریخ محلی نویسان بیشتر یک نوع نگاه نوستالژیک یا خاطرات همراه با احساس و شور نسبت به گذشته است که این نوع نگاه را که کاملاً برداشت غلطی از گذشته است به خواننده هم منتقل می‌کنند. در طرح تاریخ محلی درسی باید به شدت مراقب این نگاه بود و برعکس سعی کرد تا یک نگاه کاربردی به تاریخ در جهت زندگی بهتر برای امروز داشته باشیم و نه حسرت برای گذشته‌ای که آن را به خطا، بی‌عیب و منزه فرض می‌کنند.

امروزه به دلیل زندگی شهری و ماشینی به ویژه در

نتیجه

هر چند تاریخ‌نگاری محلی موضوع جدیدی نیست و به شکل‌های مختلف در طول تاریخ طولانی ایران وجود داشته و مورد توجه مردمان در هر دوره و زمانه بوده، ولی تاریخ‌نگاری محلی به شکل واحد درسی و آموزشی موضوع جدیدی است که ابتدا در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به صورت واحد درسی یا یک شاخه‌گرایشی برای رشته تاریخ مطرح شد. این انتظار وجود دارد که این موضوع به لحاظ اهمیت در مدارس هم مورد توجه قرار گیرد. اما بایستی دقت داشت که تدوین متون درسی و تدریس تاریخ محلی در مدارس از حساسیت بیشتری نسبت به دانشگاه برخوردار است.

هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه می‌تواند مخاطرات ملی به همراه داشته باشد. تدوین متون درسی و آموزشی تاریخ محلی بایستی در راستا و دنباله تاریخ ملی ایران باشد. اصل بر وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور است، تاریخ ملی به عنوان شناسنامه سرگذشت ملت ایران اولویت اصلی است، اما اهمیت تاریخ محلی بیشتر برای شناخت سیر تمدنی و فرهنگی در مناطق مختلف کشور است و نه زمینه‌ای برای مقابله با تاریخ ملی، در غیر این صورت عدم طرح تاریخ محلی آموزشی از طرح آن مفیدتر خواهد بود.

منابع

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. خودمشمالی. تهران: نشر نامک، ۱۳۷۸.
- باور، محمود. کهگیلویه و ایلات آن. تصحیح و تعلیق سید ساسان منصور طباطبائی. شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۲.
- شبانه، رحیم. «ارجان: دیار فراموش شده». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۲ (اسفند ۱۳۸۸).
- شبانه، رحیم. «سیری بر تاریخ‌نگاری محلی و بررسی یک جنبش محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸ (اردیبهشت ۱۳۹۱).
- عاروان، کامران. «نقش و جایگاه تاریخ و تاریخ‌نگاری محلی». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸ (اردیبهشت ۱۳۹۱).
- قنوت، عبدالرحیم. «نقش جغرافیا در تولید آثار تاریخی». ایام ویژه تاریخ معاصر، شماره ۵۴ (اسفند ۱۳۸۸).
- قنوت، عبدالرحیم. تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- نرشخی، ابوبکر. تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر قباوی، بازنه‌لیخیص محمدبن زفرابن عمر، ویرایش امیرحسین خنجی. تهران: آذر مهر، ۱۳۸۴.
- نورایی، مرتضی و ابراهیم موسی پور، «سویه‌های تاریخ محلی». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸ (اردیبهشت ۱۳۹۱).